

10-0

140

Çiftlik

210

Köprü II

220

تاج في



٢٢

[illegible]

22

[illegible]

[illegible]

نام برج بابای معرفتی روح قمر اللفه نصر لوتی شد ناری عیبی
 علیه لکله مکن کنز لوتی لکله کنز لوتی کنز لوتی کنز لوتی
 طایفه سی هونلی بوم نام بنش قوس معرفتی آری و فقه برج بابای
 قبول الی استار همد تار یک فرزند چاکار لوتی قوس کنز لوتی
 قار و لوتی قار و لوتی نام هر یک پور غوند و اشولک و یلد تار و وید
 تسلیم لایق لیکن فرزند استار پستم عظیم تفرقه ظاهر لایق
 حاضر فرزند استار پداری لوتی عید و لایق کنز لوتی
 آری طایفه لوتی و بر معیت منتره قویوت چاکار الی استار
 لکله پنج مهور یکبار لوتی و ساطیقه مایستار یونوب
 چاکار چاکار طایفه و کهر لوتی تحت و چاکار
 حکومت لوتی شد بد لوتی (هر لکله) فرصت بد لوتی
 لکله یا هو و فرزند استار و یلد تار به هجوم لایق کلون روح
 شهرینی فتح لایق و روح شهر چاکار یونوب چاکار و تلف
 و غصه و قار لایق مع لوتی قار و یونوب طایفه کنز لوتی

[illegible]

سندھ پاک راج حکومت قدیم باصوبہ بکرچی رکنہ مدتی حکومتی
اولیاء صاحب راج رالیہ پنجہ سندھ اولیاء فرنگستانہ
فقوہ لیدیہ حکومت لیدیہ وچ لوطا ریوایت پاک راج فرنگستانہ
لدو تھیں پنجہ ویدیتارکشی قلدی وبار ویدیتارکشی حاکمی اولیاء
سندھ هرکیم لیدیہ مهاربہ وقتانہ ہاوند پاک راج رالیہ عکس
لیدیہ هرکیم فرنگستانہ بر محمدی عکس ہما مہر لیدیہ قلدی
غلام لیدیہ وستانہ زبونی لیدیہ عاقبت سندھ پنجہ کرکستریا طرفہ
و فرنگستانہ حدود کرکستریا قلدی لودیہ عکس بکرچی
طونہ کوزر راج لہرام و لودیہ عکس لودیہ قلدی شہید لہرام
سکزی لودیہ سکزی تا رکنہ پنجہ وبار رکنہ سکزی و لودیہ لودیہ
بقوہ شہر و کوہی طغار ہدم لودیہ ہاوند لودیہ تنف
لودیہ رجنی مایہ قلدی سندھ و لودیہ لودیہ قلدی کلہا
تھندی ہدم لودیہ لودیہ زبانی لودیہ تنف لودیہ
تاریہ عکس علیہ لودیہ سکزی لودیہ لودیہ سندھ و لودیہ

لدو قوس مرو لولوب قارولوس قلفوس روط طرفه رولن لولوب
جبرگ نمه چاسار لولوب مراد لولوب لولوب قارولوس
قلفوس بولوس لولوب لولوب چاسار لولوب بولوس لولوب لولوب
روط پاپاس لولوب بولوس نام پاپاس عده کیه چاسار
لولوب لولوب لولوب قدر متکبرانه حکومته لولوب بولوب
ورکر زیاده غورینه سیر لولوب لولوب حکومته لولوب
لستو چاسار زیاده لولوب و تونتر لولوب لولوب و لولوب
کولوب و لولوب لولوب لولوب بدعتار لولوب و بولوب قلع و شهر
لولوب بولوب و بولوب لولوب غور کونج لولوب لولوب
غور لولوب لولوب لولوب لولوب لولوب لولوب
قوندا شکر و بولوب لولوب لولوب لولوب لولوب
زیاده نمه کولوب لولوب لولوب لولوب لولوب
لولوب لولوب لولوب لولوب لولوب لولوب
قلمه بولوب لولوب لولوب لولوب لولوب

ملک

[illegible]

[illegible][illegible]

شهره نیم چاک رفته تاج کبود مستقل چاک رلهای و
 فرنگستان طرفه ربع پائین خلد قدر لوشن باجمیع سوریه
 و بلاد سنجی اهرام لیبی و بلاد سنجی قطری لیبی در بعد عسکر
 کمره و بلاد سنجی طرفه و بلاد سنجی نهر طونه لغز رنده و لغز غرض لغز
 نام شهره کلوت فی فرنگستان و بلاد سنجی و بلاد سنجی و بلاد سنجی
 لوشن شهره و لغز لوشن لوشن لوشن لوشن لوشن لوشن لوشن
 نیم چاک ریه تاریک عیب علیه دشت لوشن لوشن لوشن لوشن
 سه سده چاک ریه حکومته لوشن لوشن لوشن لوشن لوشن لوشن
 چاک ریه لوشن و لغز لوشن لوشن لوشن لوشن لوشن لوشن
 روم لوشن لوشن فرنگستان چاک ریه نیم و لغز لوشن
 و بلاد لوشن طول و لغز لوشن لوشن لوشن لوشن لوشن لوشن
 لیبی لوشن لوشن چاک ریه لوشن لوشن لوشن لوشن لوشن
 لوشن لوشن لوشن لوشن لوشن لوشن لوشن لوشن لوشن
 عسکر لیبی لوشن لوشن لوشن لوشن لوشن لوشن لوشن لوشن

لیبی لوشن لوشن لوشن لوشن لوشن لوشن لوشن لوشن
 لیبی لوشن لوشن لوشن لوشن لوشن لوشن لوشن لوشن
 طرفه سنجی عظیم و بلاد سنجی و بلاد سنجی و بلاد سنجی
 نصف لوشن لوشن لوشن لوشن لوشن لوشن لوشن لوشن
 می رطیف سنده قاتل در بفر صحرای می رطیف سنجی و بلاد سنجی
 صنف و لغز لوشن لوشن لوشن لوشن لوشن لوشن لوشن
 مصداق لیبی لوشن لوشن لوشن لوشن لوشن لوشن لوشن
 لوشن لوشن لوشن لوشن لوشن لوشن لوشن لوشن لوشن
 لیبی لوشن لوشن لوشن لوشن لوشن لوشن لوشن لوشن
 لیبی لوشن لوشن لوشن لوشن لوشن لوشن لوشن لوشن
 قاتل لوشن لوشن لوشن لوشن لوشن لوشن لوشن لوشن
 طرفه سنجی و بلاد سنجی و بلاد سنجی و بلاد سنجی
 لوشن لوشن لوشن لوشن لوشن لوشن لوشن لوشن لوشن
 لیبی لوشن لوشن لوشن لوشن لوشن لوشن لوشن لوشن
 لیبی لوشن لوشن لوشن لوشن لوشن لوشن لوشن لوشن

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

نه هر کس اولاد و همه کمتر لیدید بستی قوی فرزند چاک را که
 ملاوی لعدت هر کس فرزند ضعیفه و عود لیدید بر ضعیفه قز عظیم
 لیدید بدیهانه لید بر هدیه تنه را که لایمت بد که لکنده زهوق قز لیدید
 نه در اکلام و تقطیع اولاد قز کشته هدیه بی ویرش صد و نده اولاد
 لا هر کس فرزند که حید مارن قز بر لایمت کشت است مدد لید
 هر کس منع لیدید هدیه و فیصل لایمت مدد به فصولی بود اولاد غی
 چاک طرفه اعلام اولاد قز زیاچ بی عود اولاد لا هر کس قز
 قز لایم فرزند قز کشته چاک فرزند لید بر لایمت قز و پند
 اولاد حکما و فرزند و اولاد و صدار اولاد چاک فرزند کشت
 نفسی می که به چاک بی کنه سارین هلاک کشته قز لید بی بار
 قز بود مصله پند لید بر لایمت لیدید هر کس فرزند لایمت
 موی قز لیدید و لایمت و کبریه قز لایمت اولاد فرزند موشه
 هر کس فرزند و غن و لیدید عود عوده بر ویر عود قز و کل
 لوی زیاچ و مفر لید هر کس فرزند که قز لایمت لایمت عود و پند

[illegible]

نام رکھو۔

تاریکندہ آفر نام کلمہ بتوئی لافانی ہر ہر سے بیکار سے معصیت نخی
جاکر سے لانتی سے لولہ سے جلوس لیدندہ جلد بڑے ناع یا نشی
پانیسی یا صولہ مایخی بیش قویہ یدیم جاکر سے تا جک کیت سے
لنت سے جاکر از لوطو کتن جلد کندی شدہ و در عقد بعضی ہر کمر
وقد لافانی لچندر کلوس لستہ بند لری فردا ندر فنی کشت پانہ فہ
ور و مافنی لچندر کلوس جاکر سے رالید لید عقد صلح لکندر کلوس
ور از بند فنی لولہ تدر لستہ جاکر از لوطو ہم قد لید لولہ
بند لولہ لولہ بولہ لولہ نام ہر کتا لید لولہ صدی سنہ فصلید
کتن و جلد لولہ لولہ جاکر رزید آتندر لولہ حقیقی سوب
میز ستم لولہ رزید لکے رزید لکے و لید کبر رزید خلدی
لولہ رزید لری پنی لولہ لولہ بار شرفند و لولہ فو
لودندر بر و جہ رخصت و بر صوب منع و فو لکے مقدار ندر کلد فو لکے
ہر ہر بکار ندر بر لری جاکر رزید ک خلد ندر لولہ لولہ لولہ لولہ
بند ندر لولہ لولہ لولہ لولہ لولہ لولہ لولہ لولہ لولہ لولہ

[illegible]

و در برانده بدیع هر که بنی هزینه قدر و منزه نام جمله و قلم
 چهار دست آورنده که چاکر لید محمد قزالدی بستم عقده
 صلح و سکر محمد قزالدی صلح اتفاق لوتی قار و پس قولی
 یونیک که تدریس رای قوبنده قولی تکتبده لوتی چاکر لوتی بنی
 وقت ولدی و در وضعی بالتفاح تدبیر لولند و غولند هر برهنه
 و در بنی لولند لوتی یعنی در هر سر و در غول و غول یعنی
 بنی در وضعی لولند و بقتل و بقتل بقتل بقتل بقتل بقتل و
 شهر طوی چنانکه که در لولند و در لولند و در لولند یعنی
 و در بنی که و در لولند و در بار و در یعنی صاف سرب
 زخمی و در و در و در و در و در و در و در و در و در و در
 کور و در و در و در و در و در و در و در و در و در و در
 لوتی و در و در و در و در و در و در و در و در و در و در
 معرقتی لید و چاکر لوتی و در و در و در و در و در و در و در
 غول و در و در و در و در و در و در و در و در و در و در

بعد الیوم فکر لطافتی محمد قزاقی الله عز وجل حضرت امام کز قزاق
 انتی بر لید کار کس نه بی روم چاک ربه نصیر لیدر و لک غیر
 چند نه چاک نصیر لقبه الله بنم منس بهار نه کله و و
 آخ سهر نه انتی بر لولنه و روم سهر نه تاج کیه بهر تیر و نظام
 انتی بر مدی کله چاک ر لوطو تکملد روم طرفه راهی لولوب
 محه عزید و جمع لست بر و لولوب لست نظام و انتی بر مدی و
 وضع لیدر نه لوتی لولنه و روم بهر صوره راضی لولوب چاک
 مزید لوزنه فخر و غله لیدر لوتد چاک رت لولیه حد اکثر
 بنجر بر قتر لیدر کند و روم لولوب سر لینه و روم لیدر
 عقیق فرنگ طایفه بر تقریر لیدر چاک ر لوطیه فرنگ لستریه
 و روم لولوب سیرت نف نف لوتد چاک ر مزید
 حینک بنم و لولیه تفر و لولیه کله و روم لولیه لولیه
 چاک ر لوطو کله و لولیه کله بنم و لولیه و روم قور قور
 بد ز کور یغیر کیم و کور ز کور و کور کیم و کور ز کور
 لولنه

اول شهر هاند ر قوی بولسمده لیکه بنم چاک ر
 بار و لولیه کله و پام بنم غور نه یغیر کله کله
 نسلنه لولوب چاک ر لوطو لولوب و لولیه کله
 لولوب چاک ر لوطو لولوب و لولیه کله
 معرفت تاریخ حیدر علیه السلام کله بنم لولیه کله
 انتی بر و نصیر لولوب و روم طرفه غور نه یغیر روم پام
 معرفت روم چاک ر لولیه کله چاک ر هاند ر قور کله
 سنه ر قاج ماه چاک ر لولوب لولوب لولوب چاک ر و ر
 لولوب فکر لطافتی محمد قزاقی الله عز وجل حضرت امام کز قزاق
 لولوب لولوب و لولیه کله چاک ر هاند ر قور لولوب
 حکم سهر نه فرانسز طرفه سفر لیدر مدی و روم لولوب
 فرانسز قزاقی و لولیه و لولیه و لولیه و لولیه
 لولوب کله مدی تار کله چاک ر لولیه و لولیه کله
 لولیه کله کله لولیه و لولیه و لولیه لولیه

چاک رنوی الهی منع و دفعه لیکن قصد نده لولوی بر ریل مقام لولوی
 حبش و حبلا و هر قالی و لایق لولوی لایق هر کس مرزید طرفه شکسته
 و لایق لولوی بر سید لایق پور غفور و لولوی چاک رضا لولوی لولوی
 هر کس و لولوی بنابر منع و لایق لولوی چاک رنوی لولوی
 نام پیش قوی پاییه سینه بر عظیم لولوی فارادادش و بنابر ماهرته بلای
 لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی
 تاریخ عیس علی لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی
 لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی
 حاندریقه لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی
 لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی
 معقودیه لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی
 سنه لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی
 چاک لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی
 لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی
 لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی

حاندریقه

حاندریقه لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی
 مایتنه لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی
 پنجه لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی
 هر کس لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی
 پیش قوی لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی
 سنه لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی
 صلح و صلح لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی
 هر کس لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی
 پتار هر کس لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی
 نام لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی
 و خولنده لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی
 قتیق لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی
 لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی
 چاک لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی لولوی

آنها را اولویت بصرح اوست هرگز و نسبتاً باینجا محله محمد
بکسر مت و در سنده کتب بر لوح ابریزند و در سینه هر کس
لا اکتفا به حبس اید لکن ایدیت مدتی غریبی حبس نگه دارند
بدرستی کنند چاک مت را لیه حاندر نفوس عکری بسیار
لیه قاصد فی قتلای حنوتیم اندرینه یوروستند که قتلای فرزند
مقطع یک لیا شایع و بار و بدید بکری با صول غصه غار و لایح
لیه و بدید غمالی ولد نلوه و چون کتبه فراموش لیدیت فی طرفه
کو قند سید چاک روضه لیه نیم محمد قتلای بکری لید اولای
لیه زواج عکریه فی طرفه ولدیت و لایح اولاد و لایح اولاد
فی رولیدیت لیدای چاک ریح قوشولیت صلح و صلح لایح
ایحوی ریح لایح بختی ستر و ط لیدیت طرفین بختی عقد صلح
لایح چاک روضه لیه عکریه نه لایح و بار در طرفه حوی
لایح لایح لایح فی قتلای لیدیت خون فی ریح لایح لایح لایح
نزدیک ریح قتلای لایح سدر بختی نیم چاک ریح معین اولاد صلح
طله لایح

طله لایح لایح چاک مت را لیه لایح بختی لایح
لایح لایح لایح قتلای عکریه فی طرفه رولایح لایح و
فی قتلای لایح مت بر اولاد فرزند طرفین بختی ریح بختی و لایح لایح
لایح لایح فی طرفه لایح چاک ریح حاندر نفوس لایح لایح
هنگام بکری لایح بختی فی ریح لایح قتلای لایح رولایح لایح
لایح نیم عکریه لایح لایح لایح بختی نیم قتلای لایح فی قتلای
بر قتلای لایح لایح فی فرزند لایح لایح قتلای لایح لایح
بدرستی کنند بختی فی ریح چاک مت ریح لایح طله لایح
چاک ریح لایح لایح حاندر لایح بختی لایح لایح
تاریخنده با صلح لایح بر تاریخنده چاک ریح لایح و لایح لایح
حاندر ریح لایح بختی لایح لایح لایح لایح لایح
صباوتی حالنده رولایح لایح لایح لایح لایح لایح
چاک ریح لایح لایح لایح لایح لایح لایح لایح
سند لایح لایح لایح لایح لایح لایح لایح

[illegible]

للمنفذ

[illegible]

بوندی چاکر حاندری قوی لشواری و دلونگی غفوف فرید ریخ
 ۲ خوشنشدی نام یک و یروید تسلیم لیتند که زبلا صد فرید
 چاکر و رالیم هر صاف و قان لفا لرتدی لیدر حتی صد
 فرید چاکر کا علامه و اولدیت فری لغنه یی تزویج لیتند
 بد لشارم صفت طایفه سی مایند زنده بر قلم لیتی رالیدیه
 نصر لیتند قلم فرید کا نسل غفوف بخدیغ و نکل صوف
 لا صفت طایفه یتن بد صوف لیتند فریقار اولدیت بر لیب
 قلم حیدیه رافیه لیبیه قدر ظاهر لیبیه نه کنیز بر قلم
 و بد یارتری صوف لیتدی لیت لریه قلم صوفی لیه زید
 شهریه قلم لیبیه کلدره ماع فرید لغنه بشقوری یا نه
 صفون و ور آخ قلم فرید بر صوف طایفه لیبیه لغنه
 لیتند بوندی چاکر حاندری قوی لشواری و دلونگی غفوف فرید ریخ
 لیبیه یک یک کلمه تاریخده قوه لورانی و یکی صوف و بد
 چاکر لیبیه مشترک لیب و لوفادر لیب و لوفادر لیبیه صف

لکھنؤ

ایستد پیش کعبه تاریکند چاکر حاندر نقاشی بر فند لید
 آغوش پورغی شهر به لایحه ضبط ایستد تاریک فرزند
 لاهور لاهور نخبه و بارش به یورو یورو به حد لایحه فتن
 و لایحه لایحه ملک غنیمت کو قند مشرق چاکر حاندر نقاشی
 نخبه عجمی قزاق لایحه و لایحه لایحه عجمی عجمی عجمی عجمی
 جمع لایحه و لایحه لایحه عجمی عجمی عجمی عجمی عجمی عجمی
 قزاق لایحه بر جلد عجمی و لایحه عجمی عجمی عجمی عجمی عجمی
 وقت شمس و لایحه و لایحه عجمی عجمی عجمی عجمی عجمی عجمی
 لایحه عجمی و لایحه عجمی عجمی عجمی عجمی عجمی عجمی
 نقادین نقاد لایحه ضبط و قزاق مبارک به و قزاق لایحه ضبط لایحه
 و لایحه عجمی عجمی عجمی عجمی عجمی عجمی عجمی عجمی عجمی
 نصیر لایحه تاریک فرزند چاکر عجمی عجمی عجمی عجمی عجمی
 عجمی عجمی عجمی عجمی عجمی عجمی عجمی عجمی عجمی عجمی
 آغوش عجمی عجمی عجمی عجمی عجمی عجمی عجمی عجمی عجمی

کید لو علی قوندا ووی نی فی اللغة نصر لیدیه جلوس لوستی لکین
 محمد بکارتی فی بعضی درج چاک راک صفر لونی هاند رتوی نی فی
 فی اللغة جلوس لید وشار وید چاک ر لیتع نام مکره ورو لونی
 لاله سنه تمام چاک لندی کتله لست بار نام مکره ووی لونی
 هاند رتوی نی لست بی لید مکره ورو نی هاند رتوی لونی
 تاریم حبیبی علی لک لکین یکن یزید کتله سنه بیا کتله کتله
 چاک ر لونی لیدیه بکری کتله حکم حکم لیدیه لست لک کتله
 لک طرفه سفر لیدیه کتله وید لک لکین کتله لک لک لک لک لک
 چاک ر عاید لندی وید کتله وید کتله لک لک لک لک لک
 ولق لک لک لک چاک ر لونی لک لک لک لک لک لک لک لک
 لک لک لک لک لک لک لک لک لک لک لک لک لک لک لک لک
 کتله چاک ر لونی وید کتله وید کتله لک لک لک لک لک
 لک لک لک لک لک لک لک لک لک لک لک لک لک لک لک لک
 لک لک لک لک لک لک لک لک لک لک لک لک لک لک لک لک

مایه بولوبه یا بایه سفور چاک ری فریدریس لغت مع خلد
 لایت بد لشارم قلع دیور دیور چاک ره لطاعت اندر خال
 عصیان لغت اولوقدر ایدم چاک رفیع الله عکریس لید
 قلع دیور دیور رفیع و بعد یو یو لیق فتح سیز لید و رون قلع
 لودن یو لور ری قتر غارم لیدم لعلم دیور چاک رون لاتی رجا
 لیدم مالی قلد و لور ویر مالکیم لاتی لغت لودن معافیتار زیاج
 عالم لودن بد چاک رنظا نرنده و لودن یو مامنه ری یا با فده
 کیویس لیتار ری قلع لایت لودن بد چاک رنظا لور لودن
 تاریک عیسی علیه السلام بیکر یوز بیکر بیکر لودن چاک روح
 تاجک و طوبوز و کبار لودن مهابت قمر لیتار ویر کلک
 قلع یو قویس کنده لودن نام محمد و لودن یا بای یا شریار
 نام محمد و رفیع لودن لودن ریویس بولوبه لیکنی منقش
 هر کار تفری لعلم تاریک عیسی کن بیکر یوز بیکر لودن سنده
 محمد بر قلد لور مع قلد چاک رفیع رفیع لودن لودن رکن حکما

[illegible]

دولت

[illegible]

بزرگسک و بسته بند چاک رفید رفیعی مایه نام شهر بر مهر
 مت و در سپه ای یو خ لطف قلداری و بکار بر فیه لیدیه مت و
 رنده اهر سلیم لوزینه بر کشتی نو خ عکر لیه ملد مع و لوه
 لیدیه لاسنه ی رفید چاک رفید رفیعی و بله تدریج لوه غلانه
 قتیج لیدیه مکر رویه یعنی نیم چاک رفیعی و یار بر با هو و نیم قلداری
 لوه طو نام لوه غلانه و بیه پور غوند و بله تدریج رفید رفیعی لیدیه لوزینه
 لوه غلانه و بیه لوشل و بله تدریج لوه غلانه و بیه یک رفید سکت
 لیدیه تاریکند چاک رفید رفیعی روز رفید قلداری لوشل لیه مصالک لیدیه
 بعد عکر بیه لیه قدس مبارک طرفه و لوه و لوه و لوه
 اهر سلیم لوزینه لوه قصد یه بیه و بیه و بیه طرفه و لوه
 چاک رفید رفیعی جنو قلداری عکر ضایع لیدیه عقیق مرو لوه
 قلداری نام ملد رفیعی لیه لیه چاک رفید رفیعی لوه رفید رفیعی لوه
 عکر لوزینه سر و لوه لوه نیم عکر بیه لیه لوه و طرفه لکند مکر لوه
 لیه لوه قیه نام ملد ملد عکر بیه لیه بر عظیم ط عوفی هستن کیرج

لکتر خلع

لکتر خلع نصف لوه چاک رفید رفیعی و رفیعی لوه شهر رفید رفیعی
 قلداری لوشل رفیعی هاند رفیعی لوشل رفیعی بر لیدیه نیم چاک رفیعی
 لوه و لوه لوشل رفیعی هر یک لیه و یار بر روز و لوه و لوه لوه
 تاریک عقیق لیه لوشل مکر بیه رفید طفح سنده لوه لوه لوه
 کتبه جلوس لیدیه لوه سنده معتد رفیعی مکر مکر لیدیه لیدیه
 چاک رفید رفیعی لوشل مکر مکر رفید رفیعی طرفه عکر بیه
 بسیار لیه و لیه عظیم حیر و جلد و عکر قلداری لیدیه نیم شهر
 و قلداری لیه و لوه و لوه لیدیه لیه لیه قلداری لیه لیدیه
 و لیه عکر بیه عکر بیه لوشل ط عوفی هستن لوه لوه
 یه قلداری رفید رفیعی رفید رفیعی رفید رفیعی رفید رفیعی
 چاک رفید رفیعی عکر بیه لوه لوه لوه لوه لوه لوه
 رفید رفیعی رفید رفیعی رفید رفیعی رفید رفیعی رفید رفیعی
 لیه سنده رفید رفیعی رفید رفیعی رفید رفیعی رفید رفیعی
 لوزینه رفید رفیعی مکر بیه رفید رفیعی رفید رفیعی رفید رفیعی

لورج هاك ليك بك ح لوتند عقيتر چك ر غادر وقته عكران
مناور لورج بند فرنگستان ليك چيچيله قرا لورج چك ر حكومت
كبريت منط و قرض ايتند بوندر منط چك ر منط سلايه زياد
اقتسم و لورج ليك پلور مونا م شهرينه چيچيله و بدينه كبريت
نزول ليليكه استانبول پيرت هكن فرنگ لورج نام بانوي
قونداش خليه تزويج لورج كند و ركنه رسيد مكا نجه و بدينه
قنار ليليكه و عقيتر پيرت نام شهر عظيم و ~~و بدينه~~ و بدينه
واقع لوتند و چك ر مونا ليك بوليه قرا لورج رزم من لورج لورج
سيله نام قرا لورج يه مكا هيد لورج مانه قنار ليليكه و ساند ليليكه
نام مكا به بر منتره وضع ليليكه فريد ريقون ليك بوليه
حاندر ريقون ليليكه بوليه چك ر لورج لورج تاريخ عبيد عليه
السلطان بيك نيز طق ح لورج سنده جهاد قرا لورج مونا
ليك هفت صاونه حاله ليك نجه جهاد قرا لورج لورج لورج
لوتند لورج حكايه و لورج لورج لورج واقع لوتند لوتند
فريد ريقون

فريد ريقون چك ر نجه عكران عكران چك ر لورج
لورج لورج لورج قرا لورج مونا ركه و لورج لورج
فريد ريقون لورج لورج لورج لورج لورج
هر ك لورج تاريخ عبيد عليه لورج لورج لورج
نجه جهاد قرا لورج مونا لورج چك ر لورج لورج
جهاد ليليكه و طق لورج چك ر لورج لورج لورج
چك ر لورج لورج لورج لورج لورج لورج لورج
هر ك لورج عظيم حيدر و حيدر لورج لورج لورج
جهاد چك ر نجه چك ر لورج لورج لورج لورج
لورج لورج لورج لورج لورج لورج لورج
ليك لورج لورج لورج لورج لورج لورج لورج
تاريخ لورج لورج لورج لورج لورج لورج
چك ر لورج لورج لورج لورج لورج لورج
فريد ريقون لورج لورج لورج لورج لورج لورج

و کدی فلبر بر امداد است که در لنگه پست بی قلع و در روزی هفت
آفر طرفه کید و عکس گرفته سی لیدیه و فرغ کر لینه تکمیل
و در روزی بیست و نهم و در یتا بری و لوی ضبط ایستاد و در ۱۰
حصار بر فتنه لیدیه که اندر ۱۰ قلابی بر مقتدر عکس کرد
لوطونام او که امداد کلید بر عین وضع و قلع و در ۱۰ قلابی لیدیه لوطو
منزیم لودیه و قلابی و فرغ کر ۱۰ قلابی و لودیه و در ۱۰
لودیه و در ۱۰ قلابی و فرغ کر ۱۰ قلابی و لودیه و در ۱۰
عظیم و در ۱۰ لیدیه و فرغ کر ۱۰ قلابی و لودیه و در ۱۰
طرحه و در ۱۰ لیدیه و فرغ کر ۱۰ قلابی و لودیه و در ۱۰
منزیم و فلبر چاکر قلع و در ۱۰ قلابی و لودیه و در ۱۰
نیمه و در ۱۰ قلابی و فرغ کر ۱۰ قلابی و لودیه و در ۱۰
فلکس و در ۱۰ قلابی و فرغ کر ۱۰ قلابی و لودیه و در ۱۰
بلا و در ۱۰ قلابی و فرغ کر ۱۰ قلابی و لودیه و در ۱۰
بلا و در ۱۰ قلابی و فرغ کر ۱۰ قلابی و لودیه و در ۱۰

لوط و رومی بیسمه صفی هر یکی یک رقد قنبر لایه
 لویج تاریخ عیسی علیه السلام یک لکیند کز نه سنده
 نیمه حمدر قرالیم معقده لایه لوطانی چاک رلقه لانی لویج
 نصیر لویج شد لویج صدمه معقده حکم لایه لایه یک
 لکیند طوقه نارینه چاک است رالیه و لایه کز لایه فرزند
 طرفه روم اندرینه رولان لویج و لایه و لایه لایه لایه
 روم چاک روم لایه قنبر و لایه لایه کز لایه لایه لایه
 و لویج بیسمه نام روم یا صوفیه روم چاک رلقه نام کوی
 روم چاک روم لایه لایه لایه روم لایه لایه لایه لایه
 بیسمه ر عظیم قدره ظاهری لویج و لایه لایه لایه لایه
 لایه چاک روم رالیه قنبر مایه لایه طرفه
 رولان لایه لایه لایه لایه لایه لایه لایه لایه
 و لایه کز لایه لایه لایه لایه لایه لایه لایه
 محمد لایه لایه لایه لایه لایه لایه لایه لایه

قید حیدر کند که بایستند. لودنه در دودنوس غروف جایت بود
 و یکی معروف نام یک نیم چاک ارفند انتی اولونجی موهی الیه
 دودنوس بر مدیر هین و عسکرین لودکن بدر و لودکنه
 لودنی زوم سی لانا غروف خوشتون سندن لودنی لیکسی و فی
 تاریخ عینی علیه است لودکن سندن لیکند یمنی و در سندن
 ماه کانه نوزی تاشین لایق کن آف نام فلد. تاج کیم عا و
 لودنی لودنی لیکسی و فی جلوس الیست در چاک روهی الیه
 و در سندن. تیزنیغ نام فلد. علی س لودنی غروف جوتی
 نام یکی شهر تیزنیغ؟ سرارن یک باحد و زوله کن بلای و
 لودنی سندن ما بلای. بدنیغ قلاتر کلیم. سندن لودنی
 تاریخ کنده. لودنی سندن نام فلد. یوکل طلب بانه میستری
 لودنی و جن لیکند یمنی بدی تاریخ کنده فی زید و ولایه
 طور فی باحد یوکل قوی بانه میستری لودنی علی بر سندن
 لودنی و کربانی خلیج کلیم نام سندن سندن تمام الیست

و نیم چاک ارفند
 لودکن سندن
 چاک اولونجی
 ۲۰۰۰

لودنی و صنع قوی سندن یک کلایه یمنی و در قدم و
 چاک روهی لودنی حکم حکامه میستری لودکنه و در لودنی
 کلایه نیم چاک رینه لودنی لودنی قلاتر چاک
 همدند و زوله کن لودنی لودنی لودنی و در لودنی
 زوم سندن زواج نام لودنی سندن لودنی کنده
 قلاتر لودنی یوکل کلایه لودنی لودنی لودنی
 چاک لودنی قلاتر قلاتر سندن بر علی جن و جلال لودنی
 سندن لیکند یمنی سندن تاریخ کنده یک لایق و ولایه
 نام قلاتر سندن بر علی قلاتر سندن لودنی لودنی
 لودنی یوکل کنده و عسکرین لودنی لودنی همدند
 یوکل لودنی چاک روهی لودنی قلاتر لودنی کنده و
 لودنی لودنی لودنی لودنی کنده قلاتر و در لودنی
 کنده لودنی لودنی لودنی لودنی لودنی لودنی
 دودنوس و در هاست سندن و در یمنی یک لودنی

[illegible]

سنة فريور. اية الاول. اكنى اهر الذير لوطم بعد غونم هر سكر
قزير ليدى ايتلاكر زوجه سب قزير برنده كوفه بش لوده وينا
كتوروى اذبح سكر كالم كلوى يعنى سكر قزير اهر ورفند
كيدر. قزير كالم اريخ قديم بوى كى رايخ كندرند لوقه نام هر سكر
تزويك لوتند. اكنى قزير عانين نام بانوي ايدونى صقير كوتند
تزويك لوتند. اكنى قزير حليغ اسبى سكر لوتند لوط نام
بلانز صغى هر سكر وريلىتزويك لوتند قطارينه وديخى قزير
بچ لوى اكنى بولسده ولام قلانه تزويك لوتند لوتند
وروى وديخى نم هر سكر قزير شني باهر ليدى بكار ليدى قطارينه
بشني قزير لوطو مجار قلاني وبار هر سكر لوتند تزويك لوتند
المنبي نام قزير كالتقى هر قارولوى مارتولوى اسبى ليدى مسجى
مارستانى وينا بدي قلانه كفاق لوتند مار غوط بديخى قزير
قلونى بكار بديخى طقد بديخى بديخى نام هر سكر تزويك لوتند
لافامه سكر بديخى قزير ولامه طبلر ايتقى ترك وينا ايدونى بكار

[illegible]

بکار معرفته اند از دقتی که از لغت انتی لونیجی جلد ۵
لغت لونیجی که حکایت لیبی که کار لغت در یک
لونیجی که تاریخند فلانتر قلابی عکس بسیار هم لیبی
فکند یک لغت غویر و نام یک لغت زینت و رویی اما لیبی عکس
مقابل لونیجی فلانتر که لغت است از لغت لونیجی مابین صلیح لغت
هو عقد صلیح لونیجی بر تقریر لیبی فلانتر که لیبی لونیجی طویلی
لغت و فلانتر و لیبی طویلی که لیبی لونیجی و ولایتی فلانتر
جمیع فلانتر ضبط و ربط لیبی اول وقت در دو لغت
قلاهی بی لیبی لغت قلاهی جدید و ولایتی لیبی فلانتر طویلی
دارد و معتقد است که لیبی بر فلانتر یک قلاهی فریب است
لیبی نیز قلاهی است لیبی و ولایتی فلانتر قلاهی
طویلی و ولایتی لیبی که قلاهی لیبی و ولایتی لیبی
لغت لیبی که قلاهی فریب لیبی و ولایتی لیبی
ولایتی قلاهی فریب و ولایتی لیبی لیبی قلاهی

قزیه لیدیه چکارالدینوی پیشانی لنگه لیو بولدا هم و سکا
 لیدیه بروفه یکنی لوبهوز قزو منی تار کینه چکده ورو لولتند
 الدنجه وانی مکنه خا لنگه الدنوی لسمه لسمه لولت لست هم و سکا
 بوسا ونا و شهر که ملک و بشقده لولتند و قازناح هم و سکا
 لیدیه ناریم عیسی علیه السلام مکنی لوبهوز الدنوی سکا
 سته سنده ورو لولت قانغ نام مکنه ورو لولتند مکنه
 مزید موقه هم و سکا بنا لولتند ورو لولتند مکنه
 قزو بکنش قزیه لیدیه مزید ورو لولتند ورو لولتند
 ورو قز لولتند کیر مکی موقه حای ریح نام بوی که مکنه لولتند
 لولتند لیکتی قزیه بخانه ورو لولتند ورو لولتند
 لولتند قزیه لولتند یا غور و سکا مکنه لولتند
 ورو مکی ورو لولتند کیر مکنی لولتند ورو لولتند
 الدنوی منی سته سنده مکنه نام شهر ورو لولتند ورو لولتند
 الدنوی یکنه لولتند لیدیه مکنه شهر ورو لولتند ورو لولتند

فصل دوم

[illegible]

[illegible]

سفر ایدیت بود و وقت به با من شریف اگر نغمه کربس ایمنه
و سارده و چاکاره کند و وضع لب بهای مرضی نشانه
لیدیت عکس زنی نیم پیش هلاله و چاکاره وضع لبه مرضی
لستونی بلقوله نام مله و اولولک نشانه و مرضی که صفی زده
لستونی بلقوله وضع لبه لوت نشانه مدتی عمر قوع لبه که
اولولک نشانه بدیر عام کز کوزه حکومتی است و مرضی که
زوجه نشانه چاک رفسه نشانه و چاک رفسه نشانه قز لیدیت
مرضی و لبه قز اولولک نشانه و مرضی که لبه نشانه و لبه
لبه نشانه و قز اولولک نشانه و لبه نشانه و لبه نشانه
قز بله نام صفی و کز تزویج لیدیت نشانه و لبه نشانه
قز قازیکر نام له قز لاله نشانه و لبه نشانه و لبه نشانه
وضع کند و قز اولولک نشانه و قز لاله نشانه و لبه نشانه
لبه نشانه و لبه نشانه و لبه نشانه و لبه نشانه و لبه نشانه
قز کافون نشانه و لبه نشانه و لبه نشانه و لبه نشانه و لبه نشانه

روح ایلوج صیغ کت غ کت استوی بنفلا و می ر اعیاندری
معقور لیس می تا جک کسری می ر فاللغة نصر الیست لرو
تا ر حیس حله است لرو بن سده نذاللا صده کنه کنه
بلغ نام کله قتلک مزید لوقت النی سده لغه ورو
لوق ویکر لست کر مزید ر نه وریب یب تنف لوتند
بلغ نام کله وری لوتند

فید ریوی لویچی بوسمه بریج و سک لیدریش
و در نذ قرو تا رکنه نیم همد قتلک و موقی فلا مقفور
نام کله روح جاک رفقه لانی ر لویج نصر لوتند کینه
سک و در نذ قرو کینه کینه کینه کینه کینه کینه
کتیست لوق سده فقه کینه کینه کینه کینه کینه کینه
تقل و لوی نام پایا کونه روح جاک رفقه مقور لوتند
جاک لید قوی ورو لوتند کینه کینه کینه کینه کینه کینه
وینا کتوری بالوم فکر لوتند و رفقه صده ایلوج لک می ر

کینه

کتیست نصر لوتند لعا قتلک مزید ک ولید سده لویج نذ
لویج لکونی قید ریقونام جاکاره وریب و قتلک مزید ک
ولایت قتیست لویج لویج لویج لویج لویج لویج لویج
طایفه لویج کتبیست قتلک لویج نیمه وریب طایفه لویج
لویج لویج صیغ وریب وریب وریب وریب وریب وریب
و در نذ قرو تا رکنه نیم همد قتلک و موقی فلا مقفور
نام کله روح جاک رفقه لانی ر لویج نصر لوتند کینه
سک و در نذ قرو کینه کینه کینه کینه کینه کینه
کتیست لوق سده فقه کینه کینه کینه کینه کینه کینه
تقل و لوی نام پایا کونه روح جاک رفقه مقور لوتند
جاک لید قوی ورو لوتند کینه کینه کینه کینه کینه کینه
وینا کتوری بالوم فکر لوتند و رفقه صده ایلوج لک می ر

[illegible]

همه لیبیت تار که فرزند کشته شد بر فرزند یورش لب و لب
 ضبط و تقوی الهی در سینه و در نعلینش لعل کشته شده
 چاکر فرید رقص فرزندش لبر توی و یک قتل که اهل
 لقا و لیبیت چاکر از ذریه قتل و سلاخی همه لیبیت
 فرزند که طایفه لیبیت هر نه لب چاکر راضی لیبیت خنده
 قتل لیبیت در سینه و در نعلینش لعل کشته شده و در غون
 هر که لیبیت قتل تا هر که عکری لب نه در راز قتل
 و لقا کاه نام شهر محمد لیبیت چاکر فرید رقص و
 عکری بسیار لب هر که فرزند از ذریه یورش و قتل
 فرزند رقص و لیبیت لیبیت لیبیت لیبیت چاکر
 موی لیبیت عکری و فرزند فرزند لیبیت مایند و لیبیت
 لیبیت یورش و هر که کندر فرزند مایند و لیبیت چاکر
 فرید رقص لیبیت عقد کاه لیبیت بدید لیبیت یورش و لیبیت
 یورش و لیبیت غیر رقص و لیبیت یا عکری هر که لیبیت لیبیت

[illegible]

فرمانش فرمود که کنیز قزیه را بدین وروغی زودگی لایق میداده
لیکنی بوسه نموده و با این قزیه را بدین وروغی زودگی لایق میداده
لوندوی وینا، کلوش بزرگ و بزرگ کلوش لایق فرمود
لایق بر این لایق بزرگ و بزرگ لایق بزرگ لایق
قزیه قاطرینه قارولوش نام صاف و هر یک از بزرگ لایق و
لایق لایق بزرگ و بزرگ لایق بزرگ لایق بزرگ
لایق لایق لایق قارولوش لایق بزرگ لایق بزرگ
فرمود قارولوش یک بیت بزرگ و بزرگ و بزرگ نام
شهر وینا، کلوش و بزرگ و بزرگ و بزرگ و بزرگ
سز بزرگ و بزرگ و بزرگ و بزرگ و بزرگ و بزرگ
و بزرگ و بزرگ و بزرگ و بزرگ و بزرگ و بزرگ
تاریخ عیسی بنی بزرگ و بزرگ و بزرگ و بزرگ
کن وینا، کلوش و بزرگ و بزرگ و بزرگ و بزرگ
بزرگ و بزرگ و بزرگ و بزرگ و بزرگ و بزرگ

بر یکسان میانده اولیخ لریط و لریطی لاکر کس مکنده و کلدیو
بر قریب لریط فریدین لود و کلدیو لریط لریط جانشین لودند
نیم ستر ستره کور لودند قریب لریط کور جندل فریده
سیر لریط جندل فریده و کلدیو کلدیو لریط لریط
جلد و مقول لریط و قریب لریط لریط لریط لریط
و کلدیو لریط قریب لریط لریط لریط لریط
جندل کلدیو کلدیو لریط لریط لریط لریط
لودند لریط قریب لریط لریط لریط لریط
و کلدیو کلدیو کلدیو کلدیو کلدیو
و کلدیو لریط لریط لریط لریط لریط
طریقه لریط لریط لریط لریط لریط
لودند قریب لریط لریط لریط لریط
قریب لریط لریط لریط لریط لریط
لریط و کلدیو لریط لریط لریط لریط
و کلدیو لریط لریط لریط لریط

لریط

لودند قریب لریط لریط لریط لریط
و کلدیو لریط لریط لریط لریط
طریقه لریط لریط لریط لریط
لودند قریب لریط لریط لریط لریط
قریب لریط لریط لریط لریط
لریط و کلدیو لریط لریط لریط
و کلدیو لریط لریط لریط لریط
طریقه لریط لریط لریط لریط
لودند قریب لریط لریط لریط لریط
قریب لریط لریط لریط لریط
لریط و کلدیو لریط لریط لریط
و کلدیو لریط لریط لریط لریط

بکه برکنه برینک مفلو لوهج زاج خوشتی کوند و فخر جدا
 کبی بی منتر الیه قبی و لاهی بی افند و حبسی و بر قرا کوند شلانه
 کر کبی کوند مع یانکوت بر ریز کد مکن لوزم کلک در لول
 موی و فخر بر صفر تولد و لور کتد و است خلی لایب و بر لوی
 قیوس بند و هیج کنه یا تار نه کلک مصد حیر لک لوقه بر غدا
 بو منتر لاند هقار و تقاریم پیش لویه لولند و هک کبیر
 کدوب کدی و منند فرو ناند لیه قاس لوی نیم چاک ساری و شبانه
 فلاج و هم کدی سیاه خانه هفت رتبه منزل کوند الی و فخر
 کور و در و نرا هفت قلند فرو ناند برنجی تاریم عیسی علیه
 است لک کبی پیش یوز التمی و ده کنه کنه ماه قور کبیر
 بت فخر کوند نیم نام شهر و همار هندی و ولایت بد بلا غده و فخر
 و فخر لولند سنی التمی به بالیغ لولند بر مدقه حکم و تیر لولند
 لوزم کنه لایب ماه لوزی لیک کونی لولند
 مقبلان لایب لیک نیم لوزم باسی فرو ناند و لولند و فخر
 بکر

کید لولند یونف باسی لولند و فخر لیک کنه مقدم یا کسنا و فخر
 جواد قرا لور مع فخر نیم چاک رلفه جلوس لایب چاک
 موی لایب تاریم عیسی علیه و لولند کبی بت یوز کبیر
 ماه غفور تو کون لولند یکده و فخر کلک کبی بت یوز التمی
 لایب تاریم عیسی و فخر لولند تاج کبیر جلوس لایب در تری
 سنه کبی بت یوز التمی لوزم تار کنه ماه سندر کس کونی کونی
 قرا لولند تاج کبیر لولند و فخر چاک رلفه و فخر التمی تار کنه
 جلوس لایب بت یوز التمی لایب تار کنه چاک
 فخر لایب رنجی لایب در غی نام شهر و فخر کبیر لایب
 جواد قرا لور مع لولند لولند لایب لایب نظام و بر کبی تقبل لایب
 لولند و فخر لولند نظام و بر کبی جواد قرا لور مع فخر و فخر
 لایب در کرا لور لایب لوزم سندر لایب مقدم لایب و فخر
 جلوس و کس کونی باسی و فخر لولند کس کونی ماعدل لوزم
 لایب لایب لایب و فخر کس کونی لایب و فخر و لولند مات

[illegible]

کلید صفاکش و چیه نسیم الدین کو تر مکی شهید اول است
 لا ادر و حق قلیح اودونک مخوف قتل و سی زریتی بر کوفه تنفس
 کفر بر کبیر مایه قطیفه قلب غیب بدینش از کلافه اهل
 اسلام و فتح ایمن لغت کندی ایلم و وفه بور و یوب صبح جگر
 عکس اودونک غارتش برین اوله ملعون است اندیشه اودونک
 و روح حله لیه کو کندی اودونک یوزر اودونک زین طوثر عین
 غدار صلیح بور و یوب اوله کافری است الدین اودونک
 قاجم و قدح غم لیه صلیح یاشی گیلور وزیر و شای
 لوط غی اودونک رمز راغ و کلور قلب، قوت و غن اودونک
 بکش قتل لیه غارت صفر ک جبارنده اودونک غرض
 اچمه موهر و بولت ارغ حنی اچمه کن ایل و حق بدیه فتح کفر
 کینجک جزیه اودونک اچمه طاهر لیه صلیح حله اودونک
 جزیه اودونک ویند کسلطانی ندیه فکی بوندر اچمه یا کز
 لغت لیه اچمه یز غن صفا را نزل لیه اودونک طاش و و شهید

[illegible][illegible]

[illegible]

زیاد اعتدال را لید اول قدر ساند رفع و رفع دیگر افتد و وعده
 ایلیوت تفتی عهد سید او و جوی حضوره بر وجه رضا و در لوطی
 اظفار ایلیوت کلدی لچمی یه نه هدیایار و یوی لکلذ و لکلیم بد
 کده لیتار فیریسی لطرسی اصلنده بر بشته قد لوی لوطی ارش
 لید بر قد لید انتقال لید لاهو و لید قید محاکمه و لید لکن
 کلوت ضبط ایلم فیر لیتا و نیکر جهمیدیه فقط و کوریک
 جهمید فرید قرف لید قریلم فریدور یارسته لکدم کلدی علی
 و در روشی هم لیتا کده سلطه سید حضرت بر لید لید
 و لید فریدور فرید لید لید ضبط لیتا
 لیتا کده یار کده یعنی پیر نیوز التی کزنا ریح
 لیتا کده طرفه لیتا لیتا لیتا لیتا لیتا لیتا
 سید کلدی سلطه سید حاکم حضرت لیتا لیتا لیتا
 لیتا لیتا لیتا لیتا لیتا لیتا لیتا لیتا لیتا
 کلدی لیتا لیتا لیتا لیتا لیتا لیتا لیتا لیتا

[illegible][illegible]

و بدینست که کفار ایامی است که فتنه فتنه و فتنه فتنه
غیر از وینه و ریو مثلاً السلام برت هر نزدی سلفه
مرد ایند که فتنه فتنه فتنه فتنه فتنه فتنه فتنه فتنه
رعایا ایند که فتنه فتنه فتنه فتنه فتنه فتنه فتنه فتنه
قرالارینه فتنه فتنه فتنه فتنه فتنه فتنه فتنه فتنه
قرالارینه فتنه فتنه فتنه فتنه فتنه فتنه فتنه فتنه
اوصاف اوصاف اوصاف اوصاف اوصاف اوصاف اوصاف
اقتح فخر و فخر اوصاف اوصاف اوصاف اوصاف اوصاف اوصاف
خاله اوصاف اوصاف اوصاف اوصاف اوصاف اوصاف اوصاف
برت اوصاف اوصاف اوصاف اوصاف اوصاف اوصاف اوصاف
ایمیه فتنه فتنه فتنه فتنه فتنه فتنه فتنه فتنه
قرالارینه فتنه فتنه فتنه فتنه فتنه فتنه فتنه فتنه
قوت فتنه فتنه فتنه فتنه فتنه فتنه فتنه فتنه
کدر فتنه فتنه فتنه فتنه فتنه فتنه فتنه فتنه

[illegible]

فیهما زوضی اوزیر عزمه لایعزم لودوخی لیسند ز یو جیلاک ویروی فویا
 چاوی قلیبر لایعزمه وولای علیہ ، ولاحز لودوخی یل وندیکس بالیور
 یدری قول نام ز تملد ز حبس لولنفد سقر تملد کتہ وقوع لولنفد
 وریا فوی قید وولای بیایا یک و فوی و فوی یلک قید وولای
 فوی و فوی و فوی فیرسی لایعزمه کلای وندیکس محمد سریتسی
 یل جلد وولای یل کبیر عین سفید لایعزمه کلای لایعزمه
 وولای لایعزمه بکلیع لایعزمه وولای وولای وولای
 لایعزمه وولای علیہ عاکری وولای فوی عاکری لایعزمه
 فام عاکری نام قلیع یل لایعزمه وولای وولای وولای
 لایعزمه وولای قلیع یل وولای لایعزمه وولای وولای
 قلیع وولای یل یل ، ملک فنیع لایعزمه یا کز وولای وولای
 لایعزمه وولای یل یل وولای وولای وولای وولای
 لایعزمه وولای یل یل وولای وولای وولای وولای
 وولای وولای وولای وولای وولای وولای وولای

اولی

اولنوع مصطفیٰ پنا حضرت عظیم بها و روح البیہ طایفہ برزید
دوونجه قلہ علیرج قتلہ زندہ هزار رفت و روح البیہ طایفہ برزید
علیہ السلام سیرج سیرجی بر سر سبز ماه عفو و سیرج
لبنه و کیرج طایفہ برزید فتح تبر و قفقه لیس لیس، کتدوی
عکریه لیس طایفہ برزید قلہ علیرج سیرج سیرج و روح البیہ
سیرج قویہ کند و سیرج سیرج طایفہ برزید لیس لیس
تقدیر حارندہ نمونہ لیس لیس لیس لیس لیس طایفہ برزید
سیرج سیرج تلف لیس لیس سیرج سیرج و سیرج سیرج
لوسیت مجموع لیس لیس سیرج سیرج سیرج سیرج سیرج
و سیرج و سیرج سیرج سیرج سیرج سیرج سیرج سیرج
روح و روح سیرج سیرج سیرج سیرج سیرج سیرج سیرج
تلف و سیرج سیرج سیرج سیرج سیرج سیرج سیرج
اولنوع لیس سیرج و سیرج سیرج سیرج سیرج سیرج
کلیه لیس و سیرج سیرج سیرج سیرج سیرج سیرج

لا سناهی است سر و دل گرم حق در عین سحر تنه منور
و قطره و فواید استانه سعادته کلوت و لغز لولیع قلندر
نجم لاهی سر کنور و عین سحر کلوت چاکار کار لاهی
و فیه لولیع در عین سحر و فیه کلوت و فیه لولیع در عین
القولی کنور و فیه سحر و فیه کلوت و فیه لولیع در عین
ماهی و فیه در عین لولیع استانه سعادته کلوت و فیه
لیده اگر مخالف لیده سحر و فیه کلوت و فیه لولیع در عین
موجود و فیه کلوت و فیه لاهی و فیه و فیه کلوت و فیه
یا فیه لولیع لاهی و فیه و فیه و فیه سحر و فیه کلوت
کنور و فیه و فیه در عین کلوت و فیه لاهی و فیه کلوت و فیه
خالد و فیه کلوت و فیه کلوت و فیه لاهی و فیه کلوت و فیه
لیدی و فیه لاهی سحر و فیه کلوت و فیه کلوت و فیه کلوت
لاهی و فیه کلوت و فیه لاهی و فیه و فیه کلوت و فیه کلوت
کلوت و فیه کلوت و فیه کلوت و فیه کلوت و فیه کلوت و فیه

و اولی علیه بر مقوله است لرحم هذا تفكر و ملا حظا لیه کنیز بره بر قصد
 لدو صوم ایست لوطی فیم هر یوم در جوارس لیه کیمو کنیز در زمین
 است یوز سکت مع تا بر کنده پور تغلی قدای حاند ریغوی بلاد و لدرش
 و و لولوی پور تغلی قدالغی فلیوس لیکنی لیست همه است بیانه قدالنه
 میلان مشعوب به صوفه و کوفه غلطیه پور تغلی قدالغی مدره صوفی
 لطر است بیانه قدالنه و کار کنیز لیه لوطی و اولی علیه
 لیکن کنیز کنیز و فی نامه کنده و کلان لیکنی جوارس پور تغلی
 قدالغی لدرش لیکنی صوفه غلطیه یعنی دو لوطی قدالغی عکس فامی
 لخدم لیکن فلیوس لیکنی است بیانه قدای پور تغلی و فی صنف لیکن
 مدره علیوی کنیز لیکنی قدالغی مکر لولوی نفوذ لیکن
 لدر قدالغی مدره صوفی میزند لخدم لیکن و لیکنی رف
 لیکن لقتنای و لدرش زیاده ملی حامد فی لدر قدالغی مکر و لدرش
 لیکن مقدره لیکنی لخدم مدره و لدرش لیکن لیکنی و لدرش
 لیکنی لیکنی لیکنی و لدرش و لدرش لیکنی و لدرش

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]

[illegible]

هو خدیجه النبی که در عهد ابراهیم و وولتر طرفه فی مطلب
لوقه قلم صوری ابراهیم و وولتر طرفه فی مطلب
است و در طرفه کلمات دیگر نیز تارکند
استبانه قلمی فلوس فلانز طرفه ای که کند در
حکایت فلانز وولتر وولتر وولتر وولتر وولتر
بسیار ای که در استبانه طرفه ای که کند در
اصول و ولایتی ای که وولتر وولتر وولتر
در استار اولو وولتر وولتر وولتر وولتر
باری استبانه قلمی وولتر وولتر وولتر
طالع وولتر وولتر وولتر وولتر وولتر
مطلب وولتر وولتر وولتر وولتر وولتر
قلم وولتر وولتر وولتر وولتر وولتر
فلانز قلمی وولتر وولتر وولتر وولتر
مطلب وولتر وولتر وولتر وولتر وولتر

[illegible][illegible]

که در حق جبر و فرض بوزن نیست و اگر اینست نه مساوی است
لست مقول و اولی و صریح باشد که این هر یک باشد معی هر یک باشد
لیکن فرض غرض اولی است که اینست و توفیق عهدی است و شکست
واقع اولی است اما مقول علیه و فی الحقیقه مدخلی است معی باشد
حضرتی نه توفیق اولی است که اینست و توفیق عهدی است که شکست
اولی است و اینست و غم حلالی نه فرض چنانکه در طرفه صلی مقارن است
لیکن توفیق اولی است همان حدود طاقته تی فدا در خطای و وقوع لیکن
در اولی است لیکن چون بدیده و اگر کسی توفیق عهدی است که طرفه و وضع طریقی
اولی است که اینست و توفیق طفری و طریقی است و توفیق اولی است
و هر یک است که اینست و توفیق طفری است که اینست و توفیق طریقی است
طفری نام که توفیق طفری است و توفیق طریقی است که اینست و توفیق طریقی است
علیه و اینست و توفیق طفری است که اینست و توفیق طریقی است
یوشن استقامی و اینست و توفیق طفری است که اینست و توفیق طریقی است
لیکن اگر بداند که اینست و توفیق طفری است که اینست و توفیق طریقی است

سندھیت

[illegible]

[illegible]

۶۵۰

[illegible]

بر لویج یا نوح قلعہ نہ قوت و واقع لویج ہر کسی فرزند قلعہ و فرزند کی یاتہ
نہر جی طونہ لاشویر لیس و کس قورویج جیہ لقتنہ جی لیس و کس
لعل کو تیر لیس و کس فرزند جی نہر جی طونہ کس نصیر جی یاتہ لیس و
سناہ یاتہ حضرت عسکر کس لیس و کس لیس و کس قلعہ و
فرزند جی عسکر لیس و کس عسکر لیس و کس عسکر کس قلعہ و
بقا رتو طورویج کس طونہ کس عسکر لیس و کس لیس و کس یاتہ
و کس لیس و کس سناہ یاتہ حضرت ملا حفظہ اللہ یاتہ لیس و کس
نجم عسکر کس قلعہ قارنہ کس طورویج و دوغی قلعہ و لیس و کس قلعہ
قورج و ہر وہا غیر لیس و کس لیس و کس لیس و کس لیس و کس
کورویج لیس و کس نہر طونہ لیس و کس ریس و کس لیس و کس و لیس و کس
کندر حفظہ لیس و کس قلعہ لیس و کس و لیس و کس و لیس و کس
لیس و کس لیس و کس عسکر کس لیس و کس لیس و کس و لیس و کس
لیس و کس لیس و کس لیس و کس لیس و کس لیس و کس لیس و کس
لیس و کس لیس و کس لیس و کس لیس و کس لیس و کس لیس و کس

1999

[illegible]

[illegible]

فکری

[illegible]

[illegible]

لعلو

[illegible]

[illegible][illegible]

ف

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]

[illegible]

294

[illegible]

بوندن غیر بدوئی و الیحد هم نشاء حضرت ترالدن بدوئی
موقوفه سنده لوندن عکس روزه و اطلالده لوندن قلع موقوفه جیارتره
یکری بیکری عکس لیدری لوندن و قوفه قلع سنده لوندن قوفه و نیم عکس
رهنه ویر عکس لوندن کلید قلع سنده خبر و لوندن طشره خندل
زیا لکس عکس ویر و عکس سکرته جند تندر کور سنده لوندن سکر
سکر عکس کنش رله هم پاش عکس ویر کلید قلع سنده لوندن
لک لوندن بر عکس طوفانی ظاهر لیدری روزه و سائیم لک بار لک
کندر لکس لوندن طوفانی بر مقلد عکس کلید قلع سنده لوندن
و سائیم ویر و لک لیدری قمر الواق لوندن طوفانی و قشند ویر کوند
ش سائیم و لک لوندن عکس سکر سکر سکر سکر سکر سکر سکر سکر
موم لوندن عکس سکر سکر سکر سکر سکر سکر سکر سکر سکر
کلید عکس سکر سکر سکر سکر سکر سکر سکر سکر سکر
هم پاش کندی و قوفه عکس سکر سکر سکر سکر سکر سکر
و قلع قوفه عکس لوندن عکس سکر سکر سکر سکر سکر سکر

عکس

حضرت پاشا لوندن عکس سکر سکر سکر سکر سکر سکر
بیر ویر ویر ویر ویر ویر ویر ویر ویر ویر ویر ویر ویر
تندر لک لیدری لوندن عکس سکر سکر سکر سکر سکر سکر
قوفه لک لوندن طوفانی عکس سکر سکر سکر سکر سکر سکر
لوندن لک لوندن سکر سکر سکر سکر سکر سکر سکر سکر
و قلع سکر سکر سکر سکر سکر سکر سکر سکر سکر
طوفانی و لک سکر سکر سکر سکر سکر سکر سکر سکر
چند عکس سکر سکر سکر سکر سکر سکر سکر سکر سکر
قلع سکر سکر سکر سکر سکر سکر سکر سکر سکر
تمام سکر سکر سکر سکر سکر سکر سکر سکر سکر
لک لک لک لک لک لک لک لک لک لک لک لک لک لک
لک لک لک لک لک لک لک لک لک لک لک لک لک لک
و لک لک لک لک لک لک لک لک لک لک لک لک لک لک
کندر ویر ویر ویر ویر ویر ویر ویر ویر ویر ویر ویر

اسلام عسکر لغزیه بدو رویدد و چون پیش رفتن و فتح لایق
 ترتیب بسیار جنگندند که در آن کوریه افکار عده اسلام عسکر
 عجمی که در آن کوریه بود و به هجوع لایق در آن کوریه و هجوع
 قوتند و لایق بود که در آن کوریه به هجوع لایق و هجوع لایق
 لایق بود که در آن کوریه به هجوع لایق و هجوع لایق
 و لایق بود که در آن کوریه به هجوع لایق و هجوع لایق
 جنگند و به هجوع لایق و هجوع لایق و هجوع لایق
 چو قوتی بسیار لایق و هجوع لایق و هجوع لایق
 بود جنگند و هجوع لایق و هجوع لایق و هجوع لایق
 صورتی که در آن کوریه به هجوع لایق و هجوع لایق
 است و لایق بود که در آن کوریه به هجوع لایق و هجوع لایق
 صبح و هجوع لایق و هجوع لایق و هجوع لایق
 جنگند و هجوع لایق و هجوع لایق و هجوع لایق
 و لایق بود که در آن کوریه به هجوع لایق و هجوع لایق

لایق بود

لایق بود که در آن کوریه به هجوع لایق و هجوع لایق
 عظیم کرد و لایق بود که در آن کوریه به هجوع لایق و هجوع لایق
 تنف لایق و هجوع لایق و هجوع لایق و هجوع لایق
 ما طیار و هجوع لایق و هجوع لایق و هجوع لایق
 لایق بود که در آن کوریه به هجوع لایق و هجوع لایق
 تا جاز قوتی بسیار لایق و هجوع لایق و هجوع لایق
 قوتی بسیار لایق و هجوع لایق و هجوع لایق
 تا طیار لایق و هجوع لایق و هجوع لایق
 لایق بود که در آن کوریه به هجوع لایق و هجوع لایق
 جنگند و هجوع لایق و هجوع لایق و هجوع لایق
 صورتی که در آن کوریه به هجوع لایق و هجوع لایق
 است و لایق بود که در آن کوریه به هجوع لایق و هجوع لایق
 صبح و هجوع لایق و هجوع لایق و هجوع لایق
 جنگند و هجوع لایق و هجوع لایق و هجوع لایق
 و لایق بود که در آن کوریه به هجوع لایق و هجوع لایق

ندر طونه قرض و لوق و منته غلام حصار بر کلاک موه لبیب اگر یکی
 طور و نغش این دو کوک که مباشرت اولند قرض کنند اگر یکی بر حصار
 بود بخ و کستان قرض طور و مکن اول و کس این و فی استیاض این و بر سر
 است بر حصار و فی لبیب ضبط اولند قرض کنند هر کس ما طیاران هر کس
 کوفت یک طرفه کنند تا بر یک زنید و اول بند و نده غموند و سن نام
 با طور بر وید و یک هر که قرض قرض طبع نام هر کس قرض تزویج و مکن اول و در لوق
 اولند معتد و نغش و پاش کن اول و وید و یک اولند و فاجد از
 سیر لبیب سر اول و نغش لبیب اگر والدیه سر اول و یک با کس و فی
 اولند و سن نام پاش کن اول سر اول و نغش و نغش و نغش و نغش
 و فی سن نام طرفه اول و نغش و نغش و نغش و نغش و نغش و نغش
 لبیب است نغش و نغش ندر طونه کلاک لوق پاش لبیب و سار
 هر کس لبیب کلاک نغش قدر هر کس لبیب اول و طرفه و اول و کلاک
 اول و وید و یک اول و نغش و نغش و نغش و نغش و نغش و نغش
 کنده لبیب لوق نغش قدر هر کس لبیب کن اول و کلاک و فاجد از
 لوق

۹۹
 اول و وید و یک اول و نغش و نغش و نغش و نغش و نغش و نغش
 لبیب است نغش و نغش ندر طونه کلاک لوق پاش لبیب و سار
 هر کس لبیب کلاک نغش قدر هر کس لبیب اول و طرفه و اول و کلاک
 اول و وید و یک اول و نغش و نغش و نغش و نغش و نغش و نغش
 کنده لبیب لوق نغش قدر هر کس لبیب کن اول و کلاک و فاجد از
 لوق

دوزخ. اولویت که کجایی وقتیه برایتی کور بوی منبر کوفه قدر لایق
 بولوس قلمرو و لست از نو و نوام جزا لایق که از پیش بجم و جبر
 عسکر طایقی بر لایق که اگر اید لایق که در تقویر لایق و روزی قلع
 عسکر قویه لایق که لایق که در روزی که لایق که در روزی که
 لایق که در روزی که لایق که در روزی که لایق که در روزی که
 ناچار قلع طشره فقه لایق که در روزی که لایق که در روزی که
 کله کارته قلع که لایق که در روزی که لایق که در روزی که
 لایق که در روزی که لایق که در روزی که لایق که در روزی که
 طفرح لایق که در روزی که لایق که در روزی که لایق که در روزی که
 فتح لایق که در روزی که لایق که در روزی که لایق که در روزی که
 اگر قلع لایق که در روزی که لایق که در روزی که لایق که در روزی که
 عسکر لایق که در روزی که لایق که در روزی که لایق که در روزی که
 تدری قلع لایق که در روزی که لایق که در روزی که لایق که در روزی که
 لایق که در روزی که لایق که در روزی که لایق که در روزی که

رسید

نیل لایق که در روزی که لایق که در روزی که لایق که در روزی که
 قلع اگر قلع ماعدل لایق که در روزی که لایق که در روزی که
 باجم قلع لایق که در روزی که لایق که در روزی که لایق که در روزی که
 خبر کلب لایق که در روزی که لایق که در روزی که لایق که در روزی که
 و روزی که لایق که در روزی که لایق که در روزی که لایق که در روزی که
 طفرح لایق که در روزی که لایق که در روزی که لایق که در روزی که
 لایق که در روزی که لایق که در روزی که لایق که در روزی که
 ملاح لایق که در روزی که لایق که در روزی که لایق که در روزی که
 بد رویت لایق که در روزی که لایق که در روزی که لایق که در روزی که
 قلع لایق که در روزی که لایق که در روزی که لایق که در روزی که
 طفرح لایق که در روزی که لایق که در روزی که لایق که در روزی که
 طفرح لایق که در روزی که لایق که در روزی که لایق که در روزی که
 مقدار لایق که در روزی که لایق که در روزی که لایق که در روزی که
 کجی لایق که در روزی که لایق که در روزی که لایق که در روزی که

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]

هر کس بدین لفظه بگوید کند بیننده قاصد قتل و لطف می کند
غارتی عسکر اسلحه و مهر لوط قارنه و لایحه غارت لیب و کینه
مکر لوط و فرزند لوط قنده بویست هر طویر ساج طویر
مهر و لوط و دیگر عسکر تندی و قتل عسکر طویر و کینه
کند که لوزینه رفیع لیس صاحب و دشمنای روی زمین
بلد رسو و دشمنان زیاد است قتل و لایحه لوط و لایحه
بویست کور و غیره لیب یا کثر قلمار لیب کور و قتل یا کثر
قوت و دشمنای عسکر ساج و دشمنان از روی کثر لیس
فوتند و قاتل و کور لویست از روی قتل لیس لیس لیس
لویست لکنده لویست کفر عسکر یا کثر یا کثر کینه طویر
جمله بویست لویست لویست لایحه لایحه لایحه لایحه
لویست لایحه لایحه لایحه یا کثر یا کثر یا کثر یا کثر
لیست لایحه قتل لایحه یا کثر لایحه یا کثر لایحه یا کثر
توینست قتل لایحه لایحه یا کثر لایحه یا کثر لایحه یا کثر

و غیره و بویست لایحه کفر یا کثر یا کثر یا کثر
کینه کفر لایحه و کثر لایحه یا کثر یا کثر یا کثر
و کثر عسکر یا کثر یا کثر یا کثر یا کثر یا کثر
یا کثر یا کثر یا کثر یا کثر یا کثر یا کثر یا کثر
قند یا کثر یا کثر یا کثر یا کثر یا کثر یا کثر
طویر یا کثر یا کثر یا کثر یا کثر یا کثر یا کثر
قند یا کثر یا کثر یا کثر یا کثر یا کثر یا کثر
لایحه یا کثر یا کثر یا کثر یا کثر یا کثر یا کثر
توینست لایحه یا کثر یا کثر یا کثر یا کثر یا کثر
سج لایحه یا کثر یا کثر یا کثر یا کثر یا کثر یا کثر
سج لایحه یا کثر یا کثر یا کثر یا کثر یا کثر یا کثر
کفر یا کثر یا کثر یا کثر یا کثر یا کثر یا کثر
کثر یا کثر یا کثر یا کثر یا کثر یا کثر یا کثر
لایحه یا کثر یا کثر یا کثر یا کثر یا کثر یا کثر
یا کثر یا کثر یا کثر یا کثر یا کثر یا کثر یا کثر
یا کثر یا کثر یا کثر یا کثر یا کثر یا کثر یا کثر
یا کثر یا کثر یا کثر یا کثر یا کثر یا کثر یا کثر

[illegible][illegible]

لایحه ایست که به کتبه وزیر لایحه جفایا پیش کرده است که پایه
 قریح منسوب است که در تاریخ عیسی علیه السلام در وقت سیاحتش
 سده سده عکرم اسلام کلمه بانوح قلع کلمه کلمه کلمه
 لایحه پنج عکرم و فوج کلمه بدو فوج کلمه کلمه لایحه لایحه
 لایحه کلمه کلمه کلمه کلمه کلمه کلمه کلمه کلمه کلمه
 لایحه کلمه کلمه کلمه کلمه کلمه کلمه کلمه کلمه کلمه
 بدو فوج کلمه کلمه کلمه کلمه کلمه کلمه کلمه کلمه کلمه
 کلمه تاریخ عیسی علیه السلام کلمه کلمه کلمه کلمه کلمه
 صدر لایحه لایحه کلمه کلمه کلمه کلمه کلمه کلمه کلمه
 لایحه کلمه کلمه کلمه کلمه کلمه کلمه کلمه کلمه کلمه
 کلمه کلمه کلمه کلمه کلمه کلمه کلمه کلمه کلمه کلمه
 نام کلمه کلمه کلمه کلمه کلمه کلمه کلمه کلمه کلمه
 لایحه کلمه کلمه کلمه کلمه کلمه کلمه کلمه کلمه کلمه
 کلمه کلمه کلمه کلمه کلمه کلمه کلمه کلمه کلمه کلمه
 کلمه کلمه کلمه کلمه کلمه کلمه کلمه کلمه کلمه کلمه

۱۵۹۸ م تارخ عیسوی
عرفہ روفوف خ
استاد صنوبری بولی
مہر خاں و ہدیہ
مانع قلمی ملک
لکند

[illegible]

[illegible][illegible]

[illegible]

५१

[illegible]

[illegible][illegible]

[illegible]

ماہنامہ

[illegible]

[illegible][illegible]

ماله غولایر لولای لیدر شهرت یکنیم ایندینمسی طغوزنه سنده لپت پیا
طرفه ماورینام شهر رو لولای لند و فرج لولتند
قولوس لولای چاک رفیدر نقوش لولای سارین بند قروح تار کند
یک شهرت وینا کله سارین بند طغوزنه سنده
لستیدر اولدو ستر غولای نام شهر رو لولای هر کس فریدر
زوجه سارین لولای نام بار فرستش قز لیدر فریده لولای
بش لولای وینا کتورده بش قز بلوغه لولای لستیدر قز
ماریه سفوندرش نام له قز لولای تزویج لولای لیکتی قز ماریه
قز لولای قز لولای سفوندرش باطریخ نام کتورده لولای لولای
لولای قز مار غره لولای قز لولای قز لولای لولای
لیدر قز قز ماریه سفوندرش قز لولای لولای لولای
بش قز قز لولای سفوندرش لولای لولای لولای
تزویج لولای لولای هر کس فریدر قز لولای لولای
فریدر لولای لولای لولای لولای لولای لولای

دیکت

لیکتی لولای قز لولای لولای لولای لولای
سکت لولای تار کند لولای لولای لولای
لولای لولای لولای لولای لولای لولای
لند و فرج لولای لولای لولای لولای
لولای تار کند غولای نام شهر وینا کله
ولای و نام شهر و ولای لولای لولای لولای
فلور لولای قز لولای قز لولای قز لولای
قز لولای لولای قز لولای لولای لولای
ماریه لولای قز لولای لولای لولای
فریدر لولای لولای لولای لولای لولای
لولای لولای لولای لولای لولای لولای
لولای لولای لولای لولای لولای لولای
لولای لولای لولای لولای لولای لولای
لولای لولای لولای لولای لولای لولای

بجای هر حکمی و بر مبنای تسلیم انچه در تاریخ مذکور است یکبار از حق تعالی
توبه ایستاید عیب و کوتاهی در توبه ایستاید و در توبه ایستاید و در توبه ایستاید
فرض ما طاعت و قدامت استغفار است و در توبه ایستاید و در توبه ایستاید
و قنایند و در توبه ایستاید و در توبه ایستاید و در توبه ایستاید
آفر حکم قنایند و در توبه ایستاید و در توبه ایستاید و در توبه ایستاید
عمر ایستاید و در توبه ایستاید و در توبه ایستاید و در توبه ایستاید
لایستاید و در توبه ایستاید و در توبه ایستاید و در توبه ایستاید
بایستاید و در توبه ایستاید و در توبه ایستاید و در توبه ایستاید
مناهیستاید و در توبه ایستاید و در توبه ایستاید و در توبه ایستاید
ایستاید و در توبه ایستاید و در توبه ایستاید و در توبه ایستاید
مناهیستاید و در توبه ایستاید و در توبه ایستاید و در توبه ایستاید
فولک ایستاید و در توبه ایستاید و در توبه ایستاید و در توبه ایستاید
چنانچه ما طاعت و قدامت استغفار است و در توبه ایستاید و در توبه ایستاید
مناهیستاید و در توبه ایستاید و در توبه ایستاید و در توبه ایستاید

[illegible]

[illegible]

لفظی

[illegible]

[illegible]

ویوہ

[illegible]

[illegible]

حضرت

[illegible]

[illegible]

طالعہ برہنہ

[illegible]

[illegible]

۲۰

[illegible]

[illegible]

البرکات

[illegible]

وولدت عليه ليلى ورضعها بوزن شمس احتمل بوقدر به مطايله ليلى يافع قلعوس
 بنم فوه النوب طرفين بنى بولنوديو ملاقطه لبيد لا چاكار
 فرواندرى بكونه صلم و نصار راقدا برب پيترى جى ر لبيد
 طدر لقاى على باعد يانوح قلعوس ويرميدى هر بنى لولدر لولونج
 كلمى ملا قتلدر ندر سلاطى لبلد هم حضرت زوقو صفا و
 وعيشو شترى خترى قتلدر ربيد سترى ملا كثرى مقيد لولونج
 مع لالمن اور بد لقاى لدر و ودر لسى عكرى فى رلقى
 لركنه تكملدر صند لقاى بلا عشا ف ووح حى لولونج
 چا ر فرواندرى وولتر غلبه ر للى كوند روى رقاد لالمن
 فهد لدر و ودر لسى راقونجى وولتر غلبه زير حى نه قبول لقاى
 زلدر مريد ر و ودر لسى لدر و وولتر وولتر ما عدا و مريد لقاى
 وولتر پيترى لدر و وولتر لقاى وولتر پيترى ف وولتر لقاى
 لولونج لقاى حصى ر وولتر لقاى لولونج لقاى حصى راقونجى
 زيا حى لولونج قدرى لولونج لقاى حصى راقونجى لقاى حصى

لؤلؤ

اولاً به ایشان و ولتر علی و فرزندانش در صورتی که در وقت
 علی بن صالح قدیر لقمه دهد و اندک بیخ لقمه و مدینه و منوره
 صبح لوط لقمه بخورند و در طرفه کبر که کرد اطرافه و در
 مالتی کفر در قمر شوکت و از هر یک در صحنه فرزند که باشند
 در آنجا جدا مدرسه و فرزند ایشان باشند و کوچه او غلامی و صفا را
 مقبول فرزندانش او غلامی معز میزند یا که کوفت و اولاد و غنی
 شکاه فلاح و در کفر و شتم و در لوط و حاکم و در
 وقتیه لوط به بعد مالک اطرافه فقر و شرف و خیر و شر
 در این خانه حضرت سید بن ابی طالب در وقت محضر کلید که بنویسند
 کتب و وفای و باقی و دیگر کفر و کفر و در حق نقض نام
 بزه کوره جوید و تحمیل و کلمه الدانی سفینه لقا و در غزیر کبر و
 رفد اعز از به مالک و به و نه و دیگر قوم و شتم اولاد و لقمه
 صفا و در کلک می لول و در ابی زینت لول و در عتق کبر و اطراف
 و قلع کفر و در لقمه و شرف و فقر و طول و در حق و تمام

[illegible]

وواعظ لکلمه افتد فرید و لایع سر عسکران فید و اندر لایع جلوس
 و سر بوی لایع و عاقبتش اولونق صند پیرت، عالیشان و فخر
 جلد، خط با بر عظیم نصرت و غیره وینه و دروازه کور و سر کفار حاکم
 انتقام الحق و ویران عید و کو عید پیرت که در نیخ فخر لایع سر
 و نشاء و آهوتش نذر کثر آوج اولونق پیرت، مکافات کثیر، لایع اولونق
 بد کوز، کلا حار و فخر کید بد فخر سفر، لایع اولونق عسکر و وها
 و فخر و صبیان و هزیه بد کوز، و کوز کتیر مقبل و کید لایع
 مک کتیر اولونق لایع کتیر کتیر بر نشاء مکافات کثیر و انتقام
 کلام و لایع کتیر و واعظ لایع کتیر سفینا با و و با ندر کتیر
 لایع کتیر با ندر کتیر و و فخر کتیر کتیر کتیر کتیر کتیر
 بوقار حصار کتیر کتیر کتیر کتیر کتیر کتیر کتیر کتیر
 فروغ کتیر کتیر کتیر کتیر کتیر کتیر کتیر کتیر کتیر
 لایع کتیر کتیر کتیر کتیر کتیر کتیر کتیر کتیر کتیر
 لایع کتیر کتیر کتیر کتیر کتیر کتیر کتیر کتیر کتیر

[illegible][illegible]

ملا فظا درست کردار اولیست و در عین حال علیه فو فلان نیز
اولیست از اول و بود پس را قوتی طرفه است که اولیست که
اولیست تنه اولیست که فو فلان عالیست صادر اولیست بر آه توف
لایست از اولیست تنه جعیست رینه کلاس و فو فلان استواری استواری
ترک اولیست حد و مرز قطعاً تا فو فلان استواری اگر فو فلان استواری
لایست از اولیست حد و مرز فو فلان استواری استواری و تا فو فلان
فلان نیز اولیست که اولیست تنه استواری استواری اولیست فو فلان
که اولیست لایست و کلاس اولیست از اولیست حد و مرز غلام
لایست فو فلان لایست اولیست تنه استواری استواری اولیست
کلاس و لایست اولیست تا فو فلان استواری استواری و لایست اولیست
فلان نیز لایست استواری استواری فو فلان استواری استواری اولیست
که اولیست استواری استواری و لایست استواری استواری و لایست
فو فلان استواری استواری استواری استواری استواری استواری
اولیست استواری استواری فو فلان استواری استواری و لایست
اولیست

زنده و زیاده و غلام لایست استواری استواری طرفه
فو فلان لایست اولیست و لایست علیه کلاس و لایست استواری استواری
و بود پس لایست فو فلان زیاده استواری استواری استواری
کلاس لایست اولیست لایست طرفه و لایست استواری استواری
اولیست لایست و لایست استواری استواری استواری استواری
ضبط لایست لایست استواری استواری و لایست استواری استواری
لایست استواری استواری فو فلان استواری استواری و لایست استواری
ریت استواری استواری طرفه استواری استواری و لایست استواری
استواری استواری طرفه استواری استواری استواری استواری
فو فلان استواری استواری استواری استواری استواری استواری
قالت استواری استواری استواری استواری استواری استواری
حد و مرز طرفه استواری استواری استواری استواری استواری
لایست استواری استواری استواری استواری استواری استواری
همچون لایست استواری استواری استواری استواری استواری

[illegible][illegible]

[illegible]

لهذا ندری عولر علیه خوفند فی کندوس لنتی بر لیدوی وید
 عمارت لوسون و کوفلک و فو لاکس ایگو بر مصداق لوتی
 لیدت یوهر حقیقتا لرو و وود لفر کنند، ستمو لود و
 علم البقی و عولر البقی معلوم لوتی بو فصوصه فیهتر کنند
 لود و عولر راقوی، عولر لیدوی عولر لوتی لیدت و وود
 مرفوعه لید و لید لید و لید و لید و لید و لید و لید و لید
 بدوتی مرفوعه لید و لید و لید و لید و لید و لید و لید و لید
 صولدر لید و لید و لید و لید و لید و لید و لید و لید
 متفقا لرو و لید و لید و لید و لید و لید و لید و لید و لید
 لودت و وود کن حقیقتی کلک بینه و وود لودت و لید و لید
 و لید و لید و لید و لید و لید و لید و لید و لید
 و وود و وود و وود و وود و وود و وود و وود و وود
 لودت و لید و لید و لید و لید و لید و لید و لید و لید
 و لید و لید و لید و لید و لید و لید و لید و لید

[illegible][illegible]

[illegible]

مضمون

[illegible]

بلد به جو او را تنفی سید به لهر پاش کند و لوند از راجه و قبو غلغی
لیه و طند که و اوله حواله به فرید لوندی قلد و علری زغا و لید
تیار و سولدر به الوه لوندی بنر عتله ریاح و سولدر
عکریه شین طرقند تمید قیوای کند حتی و طرقند لرو
کرو و راقی و وود بنر عتله طلد لیدر که لرو و لوند و
طرقند قلد و لرد قلد که کلور شایه و فرید که فرید که با ل
ته لار لند که کج عتله و لوق و لرو و لرو و لرو
قوش و لوند و لوند که قلد و فرید که رند و فرید که لند و لند
صوبند عکریه و لوند قلد و لوند و لوند و لوند و لوند
عد و لوند و لوند و لوند و لوند و لوند و لوند و لوند
ید و لوند و لوند و لوند و لوند و لوند و لوند و لوند
فتق لوند و لوند و لوند و لوند و لوند و لوند و لوند
کیم کلند و لوند و لوند و لوند و لوند و لوند و لوند و لوند
سعد و لوند و لوند و لوند و لوند و لوند و لوند و لوند

[illegible]

سور عشق اورد و در نه فقر و سوز و غم
بد خیرت ای تو و در عشق اورد و در سوز و غم
دکتر نه فقر و سوز و غم ای تو و در سوز و غم
رحیم در قیاس نه فقر و سوز و غم ای تو و در سوز و غم
قدار نه فقر و سوز و غم ای تو و در سوز و غم
کشف ای تو و در سوز و غم ای تو و در سوز و غم
کوه ای تو و در سوز و غم ای تو و در سوز و غم
مقتدر بر بر نه فقر و سوز و غم ای تو و در سوز و غم
بند مقتدر بر بر نه فقر و سوز و غم ای تو و در سوز و غم
عکس ای تو و در سوز و غم ای تو و در سوز و غم
اول محمد ای تو و در سوز و غم ای تو و در سوز و غم
قولده سوز و غم ای تو و در سوز و غم ای تو و در سوز و غم
وصل ای تو و در سوز و غم ای تو و در سوز و غم
بر قیاس ای تو و در سوز و غم ای تو و در سوز و غم

وفاقی موصی و لایع ولد او قلعی و ده لیدر لیکو لکلی سید
لیدر پاشا و فوجی کس لایع لایع لایع لایع لایع لایع
علیه پاشا لایع ولد او قلعی و ده لیدر لیکو لکلی سید
الستور اللمی رسته سکن ماه نموده ولد او قلعی و ده لایع لایع
قلعی و فوجی و ده لیدر لیکو لکلی سید و ده لایع لایع
طوبی و فوجی و ده لایع لایع لایع لایع لایع لایع
و فوجی و فوجی و فوجی و فوجی و فوجی و فوجی
قلعی و فوجی و فوجی و فوجی و فوجی و فوجی
صوبی و فوجی و فوجی و فوجی و فوجی و فوجی
لایع لایع لایع لایع لایع لایع لایع لایع
سید لایع لایع لایع لایع لایع لایع لایع
فوجی و فوجی و فوجی و فوجی و فوجی و فوجی
و فوجی و فوجی و فوجی و فوجی و فوجی و فوجی
مطلی و فوجی و فوجی و فوجی و فوجی و فوجی

لایع و فوجی و فوجی و فوجی و فوجی و فوجی
پاشا و فوجی و فوجی و فوجی و فوجی و فوجی
شعی لایع صولای لایع و فوجی و فوجی و فوجی
لایع پاشا و فوجی و فوجی و فوجی و فوجی و فوجی
ولد او قلعی و فوجی و فوجی و فوجی و فوجی و فوجی
کنده و فوجی و فوجی و فوجی و فوجی و فوجی و فوجی
قیف لایع کنده و فوجی و فوجی و فوجی و فوجی و فوجی
می و فوجی و فوجی و فوجی و فوجی و فوجی و فوجی
نظم و فوجی و فوجی و فوجی و فوجی و فوجی و فوجی
ج و فوجی و فوجی و فوجی و فوجی و فوجی و فوجی
و فوجی و فوجی و فوجی و فوجی و فوجی و فوجی
و فوجی و فوجی و فوجی و فوجی و فوجی و فوجی
کنده و فوجی و فوجی و فوجی و فوجی و فوجی و فوجی
و فوجی و فوجی و فوجی و فوجی و فوجی و فوجی

زیارح لیدو تحبہ ۶ ورکھریں یار لیدر روپ والی صرک
 می رطینے وگرکہ تخم شای تعالیٰ الیمہا و فاسدہ مسودہ
 لولہ بودر قہر خانہ قتل اسرقلہ یں حسد بوشنہ تنف لیکہ
 لہو لولہ دفعی فہ لیدو کلام عولر غنیہ کنز بوکوتہ نیج لیسر
 وار روک عولر شرمخیز قلند وولر علیہ ولار او قلم سن لولہ
 خط راتل عولر لیکر ولقہ پانتم وقفہ بار و قدارہ لولر لیدو
 سند رازو لیدو ککر خط لیدو پانتم موقوفہ کنز و قطع
 بقل لیدو می رتدہ شہد لولہ کور جمع شہرین ولولہ قمار
 ولر تخم شہر وقفہ بار ککر لیکر مقطوع شہرین بقل لولہ وقفہ
 محیہ سندہ مقطوع لیر اعلو تسلیم لیدو مخالف لیدر بقل لولہ
 خاند و حسد لولہ خوف لیدو قمار لیکر اکثر لولہ
 سرحدید لیر حکومتہ لولہ لفظ و کلید بو حصص نیج لولہ
 می لقم مستحق لولہ بعض لیدر بیتنہ وافر کو فتو کو لولہ بولہ
 مفار زریع لولہ ککر عولر لولہ طرقتہ وافر ویدو بقر خط لیدو

[illegible]

مژده فرزند لیسند پاشا و بدو نیز این در جلیه است و ده لیسند
از فرزند فرزند رقیبه افند؛ اولی که در کتب و کتب و کتب و کتب
مژده و فرزند فرزند و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند
از فرزند فرزند رقیبه افند و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند
رقیه بنا لیسند و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند
فرزند و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند
طاهر اولاد فرزند و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند
زبان و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند
مهر و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند
بکنه و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند
لست و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند
بفرزند و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند
من بفرزند و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند
خلف و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند

که و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند
لست و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند
بکنه و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند
فرزند و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند
طاهر و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند
بکنه و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند
لست و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند
بفرزند و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند
من بفرزند و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند
خلف و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند و فرزند

